

سطح دو - جلسه دوم

گفتیم اگر باور داریم در حال جنگ هستیم ، جنگها یکسری قواعد کلی دارند و یکسری قواعد جزئی ؛ قواعد جزئی منحصر به جنگ های خاص هستند و نمی توان از آنها در جاهای دیگر استفاده کرد ، اما قواعد کلی را می توان در جاهای دیگر مورد بهره برداری قرار داد ؛ بر همین اساس کلیاتی را ما از هشت سال دفاع مقدس می توانیم برداریم و در جنگهای دیگر از آنها استفاده کنیم ؛ اعم از جنگهای اقتصادی ، فرهنگی و غیره که البته بحث آن مفصل است و تنها می خواهیم بصورت گذرا به بعضی از آنها اشاره کنیم ، تا فضای ذهنی مان برای مباحث آینده آماده شود.

گفته شد یکی از ویژگی های جنگی که ما داشتیم و باعث موفقیت ما در مدیریت هشت سال دفاع مقدس شد ، چهار اصل بوده اند ؛ ارتباط با خدای متعال ؛ ارتباط با ائمه هدی (علیهم السلام) ؛ ارتباط با ولی فقیه و نیز ارتباط با شهدا (رضوان الله علیهم اجمعین) و لذا ما هم اگر بتوانیم در این جنگها ، به همان مبانی عمل کنیم و به معنای حقیقی کلمه بر آنها تکیه کنیم ، می توانیم در این جنگها نیز موفق شویم ؛ ان شاء الله.

منتها منطق حکم می کند آن اصول را بروز کنیم ؛ چراکه هر دوره و زمانه ای اقتضائات خاص زمان خود را دارد و اینکه چه باید کرد عرض شد براساس طرح شهید چمران (رضوان الله علیه) که در پنج سطح طراحی شده ، در سطح سه وارد مباحث اصلی می شویم که البته نیاز به یکسری مقدمات دارد تا بتوانیم وارد آن شویم ؛ به تعبیر دیگر سطوح یک و دو بعنوان مقدمه می باشند و نیز سطح یک مقدمه سطح دو است ؛ از طرفی ویژگی دیگر دفاع مقدس چالاکي نیروهای عمل کننده بود ؛ جنگی جهانی به ما تحمیل شده بود با دشمنانی قدرتمند ؛ تا بن دندان مسلح و در عین حال متحد و ما هم در فضای کاملاً متشنّت و نابسامان و غافلگیرانه ؛ فرصت نداشتیم به سبک و سیاق ارتشهای دنیا یک یا دو سال وقت بگذاریم و نیروها را آماده کرده به میدان بفرستیم ؛ لذا مجبور بودیم کلیاتی از جنگ را به نیروها آموزش دهیم و بگوییم مابقی مورد نیاز را بروید و در میدان جنگ بدست بیاورید.

در داستان جامعه فعلی هم شرایط تا حدودی همین گونه است ؛ کشور دچار جنگ های فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی و ... است و در عین پیشرفت های مختلف ، خسارات متعددی هم می بینیم ؛ البته با یکسری تفاوتها که از آن جمله است ؛ قدرت تشخیص و باور به جنگ یا حمله دشمن !

با این توضیح که چون جنگهای فعلی در بستری از جنگ نرم است ، درک و باور آن سخت و پیچیده است و به همین نسبت هم دفاع کردن سخت و پیچیده می شود . بنابراین در چنین عرصه ای اگر بخواهیم به همان موفقیت ها برسیم ، ناچاریم بجای گذاشتن دوره های بلندمدت یکساله و دوساله فرهنگی ، اقتصادی ، سیاسی و غیره برای نیروهای داوطلب ، باید یکسری از کلیات و یکسری از جزئیات را آموزش داده و بگوییم يك يا علي(ع) بگو و شروع کن به مبارزه (جهاد کبیر) و مابقی مسائل و مطالب را در حال جنگ و مقاومت بدست بیاور و او نیز به همین سبک عمل کند و نیروهای تحت امرش را بصورت چالاک و البته فعال به خط کرده ، روانه میدان های مبارزه کند ؛ بدین ترتیب بدنه عمومی جامعه بصورت تصاعدی روز به روز بیشتر درگیر این جهاد مقدس شود و همزمان با رشد خود ، وسیله رشد و ارتقاء اطرافیان و سایر زیرمجموعه های خود شود ؛ ان شاء الله .

در چنین فضایی که از حداقل امکانات و مدارج علمی، بیشترین نتایج میدانی در عرصه های فکری، علمی و عملی بدست می آید، دیگر لازم نیست برای تبیین اسلام و انقلاب، حتماً مدرک ارائه دهیم و مدارک بالای حوزوی یا دانشگاهی داشته باشیم؛ لذا با توجه به چنین رویکردهایی، طرح شهید چمران (رض) را در پنج سطح چیده ایم که به یاری خدای متعال سطح دو را پی می گیریم.

اما درباره مطالب سطح دو، گفتیم بنا داریم درباره بعضی از مفاهیم اسلام و انقلاب با نگاهی نسبتاً جدید وارد شویم (حداقل به اندازه درک و نیاز خودمان) که نوعاً می توان راهکارهایی عملی و عملیاتی هم از آنها بدست آورد؛ در جلسه قبل تحلیلی درباره احتمال جهش علمی در جامعه دیندار و بی دین را مورد بررسی و تأمل قرار دادیم و نیز میان مسلمین و غیر مسلمانان، تشیع و غیر شیعه و... و اجمالاً ثابت شد که احتمال این جهش برای جوامع دیندار، مسلمان، شیعه و... نسبت به سایرین بسیار بیشتر می باشد؛ اما اینکه چرا چنین گامهایی تا به حال برداشته نشده، مجال بیشتری می طلبد؛ اما شاید یکی از دلایلش را بتوان مطرح نشدن همین مباحث نظری دانست.

این سری مباحث در راستای بیانات رهبری معظم انقلاب قرار دارند که با تعبیر تولید علم و جنبش نرم افزاری اعلام شد و اگرچه بحمدالله در سال های اخیر حرکت های خودجوش علمی بسیاری در کشور اتفاق افتاده، اما اگر نگاه حداکثری داشته باشیم (مانند نگاهی که رهبری معظم در بیانیه گام دوم دارند)، می بینیم هنوز نسبت به قله هایی که به یاری خدای متعال باید فتح کنیم فاصله بسیاری داریم.

اما آنچه برای این جلسه مدنظر داریم بیان شده، مورد بحث قرار گیرد اینست که اسلام ادعا دارد من مترقی ترین دستورات برای زندگی مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، سیاسی، اقتصادی و... فرهنگی بشر را دارم؛ از طرفی به ما گفته شده جامعه اسلامی اگر بخواهد به جایی برسد، منطقاً باید بتواند بصورت مستقل عمل کرده و سر پای خودش بایستد؛ این عبارت اخیر هم صرفاً مربوط به علوم و مسائل اعتقادی و نظری نیست بلکه می بایست بتواند در همه علوم حتی علوم فنی، مهندسی، صنعتی و... آزمایشگاهی خود کفا شود.

حال سوال اساسی که مطرح می شود اینست: دین در این ماجرا، چگونه می تواند به ما کمک کند؟!

یکی از مسائلی که در حوزه اعتقادی مطرح شده، تأکید بزرگان بر نمازهای اول وقت است؛ چنانکه گفته شد مرحوم آیت الله بهجت (رضوان الله علیه) به نقل از استاد عرفانشان (رض) گفته بودند هر کس بر نمازهای پنجگانه مراقبت کرده و آنها را در اول وقت به جا بیاورد، اگر به مقامات عالیه نرسید مرا لعنت کند!!

البته اینکه آن مقامات عالیه چه هستند و انسان را به کجاها می توانند برسانند، برای امثال ماها چندان مشخص نیست و فعلاً هم کاری با آن مراتب و مسائل نداریم؛ اما آنچه مربوط به بحث خودمان می شود، تأثیر رشد های معنوی است بر زندگی مادی، دنیوی و ظاهری انسان.

منطقاً وقتی انسان به مقامات عالیه برسد، چون در باطن رشد کرده و به حقیقت عالم، نزدیک و نزدیکتر شده و به آن شبیه تر می شود، این تغییر و کمال در ظاهر او هم بروز می کند و نتیجه چنین فرایندی، رشد دنیوی و ظاهری انسان است که به شکل های مختلف اتفاق خواهد افتاد (در اینجا رشدهای علمی روز مدنظر است) و می خواهیم بگوییم اگر فردی که در فیزیک،

شیمی ، مکانیک و ... دارای استعداد ذاتی باشد ، بواسطه رشد معنوی ، آن استعداد نهفته درونی اش بهتر ، بیشتر و آسان تر بروز پیدا می کند و می تواند با پشتوانه معنوی که پیدا کرده ، در علوم مختلف و حتی فنی ، مهندسی و آزمایشگاهی هم به جهش های علمی برسد.

شاهد این ماجرا هم بحمدالله در امت اسلام و تشیع زیاد بوده و هست که از نمونه های قدیمی آن جناب ابوعلی سینا (رض) و از نمونه های اخیر آن شهدای هسته ای به ویژه شهید احمدی روشن (رض) را می توان نام برد.

بر این اساس می بینیم دین و دستورات متری آن چگونه می تواند حتی در زندگی مادی و دنیوی انسانها تحول ایجاد کند ؛ از طرفی گفته اند همه چیز را همه کس می دانند ؛ یعنی اگر ما بتوانیم امکان رشد معنوی عمومی را فراهم کنیم ، شاهد بروز و کشف استعداد های نهفته افراد زیادی در جامعه خواهیم بود و بدین ترتیب در رشته های مختلف ، نیروهای جدیدی به مجموعه دانشجویان و اساتید کشور اضافه خواهند شد.

ممکنه است گفته شود وقتی بدون از تقید به دین ، اینقدر دانشمند (رشته های مختلف) در دنیا وجود دارد ، دیگر چه نیازی است ما بخوایم براساس دستورات اسلام ، دانشمند نظری و عملی تربیت کنیم؟!

در جواب عرض می شود تفاوت یک دانشمند موحد با یک دانشمند مشرک یا کافر در اینست که دانشمند موحد و خداشناس به همان نسبت که تخصص دارد ، تعهد هم دارد و از تخصص خود همواره به نفع انسانها و حتی عالم طبیعت استفاده می کند ؛ درحالی که یک دانشمند غیر موحد ، غرق و مغلوب علم خود شده و منشأ مفاسد بسیاری در جهان می تواند بشود و یا حداقل بازیچه دست سیاستمداران فاسد و منحرف می شود ؛ از طرف دیگر يك دانشمند موحد ، عارف و حقیقت شناس می تواند بهترین استاد معنویت ، اخلاق و سبک زندگی برای شاگردان و بلکه جامعه شود که با کمترین هزینه های مادی و معنوی الگوهای رفتاری و حتی فکری جامعه را تحت تاثیر قرار دهد و آنها را بسمت رستگاری رهنمون شود.

بنابراین اگر مردم ما بر اوقات نمازهای پنجگانه خود مراقبت کنند (و حتی اگر یک نفر یا تعداد معدودی این گام بزرگ و اساسی را بردارند) ، بتدریج شاهد شکوفایی و کشف استعداد های متنوع ، اصیل و مورد نیاز جامعه خواهیم بود ؛ آن هم بر بستر معنویت (مانند آنچه در دوران طلایی تمدن اسلامی دیده ایم و تاریخ موارد متعددی از آنها را ثبت کرده است ؛ یعنی شخص در ریاضیات ، ادبیات ، نجوم ، پزشکی ، فلسفه یا ... استاد تمام بوده است ؛ اما کاملاً مقید به امور معنوی و اخلاقی و بلکه عرفان هم بوده است ؛ امثال ابوعلی ها ، خیام ها ، ابوریحان ها و ... (رضوان الله علیهم اجمعین) بعدد ما احاط به علمه) ؛ و شاید یکی از رازهای مگوی این بزرگواران (که هنوز هم علوم و رساله های شان تازه و پیشگام تمدن فعلی دنیا است) ، مکاشفات و تأییدات الهی بوده که همواره از آن بهره می برده اند و البته در تمدن فعلی جهان و حتی جوامع اسلامی ، چندان به این زاویه مساله پرداخته نمی شود.

یک دانشمند موحد از یکطرف گره های علمی اش را با تلاش معنوی (علاوه بر تلاش های علمی و آزمایشگاهی) حل می کند و از طرفی برای خدا و جلب رضایتش گام برمی دارد و نهایتاً اینکه منطبق بر علوم حاکم بر طبیعت ، طرح و برنامه می ریزد و به همین علت هم هیچگاه محصولش ، در برابر عالم طبیعت قرار نمی گیرد که آن را نابود کرده و از هستی ساقط کند ؛ لذا وقتی (بواسطه تاکید علمای دین) گفته می شود نمازهایتان را در اول وقت بخوانید ، این حرکت لزوماً و انحصاراً یک حرکت معنوی صرف نیست تا کسی بگوید ما که نمی خواهیم عارف یا معنوی

شویم ؛ بلکه دقیقاً راهکاری آسان ، جذاب ، مؤثر و بروز است ؛ برای کشف هرچه بیشتر و عمیق‌تر خود ، خالق ، خلق و خلقت.

بر اساس آنچه گذشت ، احتمال موفقیت دانشمندان مسلمان بسیار بیشتر از سایرین است ؛ از طرفی بواسطه رشد معنوی ، انسان بتدریج با مخازن و معادن حقیقی علوم الهی ارتباط برقرار می‌کند و نتیجه چنین ارتباطی ، همرنگی و همنوایی با آنهاست و محصول چنین فرایندی عالم شدن به علوم مرقی و متنوع آنهاست.

(روایت فرمود ... و شما اهل بیت خزانه‌های علم الهی هستید و یا فرمود برای کسب علم هر جای عالم را بگردید ، بالاخره سراغ ما اهل بیت /علیهم‌السلام/ خواهید آمد ؛ در قرآن کریم هم خدای متعال به رسولش می‌فرماید (... بگو پروردگارا علم مرا زیاد کن) ؛ گویا با زبان بی‌زبانی دارد می‌گوید اگر می‌خواهید عالم شوید ، از اینجا شروع کند - به همین سادگی - ؛ اما ما چقدر از این سرمایه‌ها و گنجهای الهی که در اختیار داریم ، استفاده بهینه می‌کنیم؟!)

در پایان مطالب این جلسه یاد کنیم مجدداً از مرحوم آیت‌الله بهجت (اعلی الله مقامه) که طی عبارتی (و احتمالاً متعلق به خود ایشان هم می باشد) فرمودند اگر کسی بر نمازهایش مراقبت کرد ، به آنجایی که باید برسد می‌رسد ؛ ولو اگر هزار سال طول بکشد.

توضیح اینکه چه بسا ما تمام هم و غم خودمان را در یک مسیری بگذاریم که صلاح ما نیست و شاید استعداد زیادی هم در آن نداشته باشیم و به همین علت هم در نهایت ، دچار خسران می‌شویم ؛ اما از برکت نماز و مراقبت بر آن ، بتدریج در مسیر صحیح زندگی قرار خواهیم گرفت (بصورت تکوینی) و می‌توان امیدوار بود که به فضل پروردگار ، شکر نعمت وجود و نعمت هدایت الهی را در حد توان بجای بیاوریم ؛ که محصول چنین فرایندی ، انسانها یا جوامعی خواهد بود با حداکثر بهره‌وری ، کمترین هزینه‌ها و سریع‌ترین راهها برای طی مراتب کمال ؛ ان شاء الله.

جهت سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان (عج) اجماعاً صلوات.